

«درمه» یا شریعت هندوی

دکتر فیاض ترائی

دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی

چکیده

درمه (Dharma)، نظام شریعت هندو مبتنی بر قانون کیهانی و ناموس خلقت است. هر فرد هندو که بخواهد به رستگاری و نجات دست یابد، باید زندگی خود را با نظام درمه تطبیق دهد. متون مربوط به درمه، درمه ساستر (Dharmasastra) نامیده می‌شود. مهمترین متن درمه ساستر، درمه منو (Manu) است که به نام منوسمرتی (Manusmṛti) یا «قوانین منو» خوانده می‌شود. منابع مهم درمه عبارتند از:

۱- متون شروتی (Śruti) یا متون منزل

۲- متون سمرتی (smṛti) یا متون انسانی (فکری)

۳- آچار (Ācāra) یا عرف

۴- آتم (Ātma) یا وجدان

قوانین درمه از نظر مضمون به سه دسته تقسیم می‌شوند.

۱- ورن آسرم درمه (Varnāśramadharmā) یا تکالیف فردی

۲- سادارن درمه (Sādhāranadharmā) یا تکالیف کلی

۳- آپک درمه (Āpaddharmā) یا تکالیف اضطراری

کلیدواژه: درمه - ورن - آسرم - شروتی - سمرتی - ساستر - منو

درمه (Dharma) یا شریعت هندوی

۱- جایگاه درمه در نظام تفکر هندوی

معارف هر دینی دارای ابعاد مختلفی است مسائل مختلف کلامی، اخلاقی و احکامی را در بر می‌گیرد. مثلاً معارف دین اسلام را معمولاً به سه دسته تقسیم می‌کنند: مسائلی که در مورد اصول دین مطرح می‌شوند و به نام اصول عقاید یا کلام نامیده می‌شود؛ مسائل اخلاقی که در علم اخلاق مورد بحث قرار می‌گیرند؛ و احکام دینی که در فقه بحث می‌شوند. معارف آیین هندو نیز دارای ابعاد مختلفی است. مسائل کلامی و عقیدتی آن تحت عناوین مختلفی از قبیل: «اصول کلی هندوییزم» مانند کرم (karma) یا کردار، سنسار (Samsāra) یا گردونه بازپیدایی و تناسخ، موکش (moksha) یا رهایی و رستگاری، «خدایان هندو» و «مکاتب فکری هندوییزم» یا «درشن‌ها» (dharsanas) مورد بررسی قرار می‌گیرند. بخش عمده‌ای از معارف هندوی نیز مربوط به مسائل اخلاقی و احکامی است و مجموعاً شریعت هندوی را تشکیل می‌دهند و تحت عنوان «درمه» (Dharma) مطرح می‌شوند. لذا به نظر می‌رسد که مناسبترین معادل برای «درمه» همان «شریعت هندوی» باشد؛ هر چند از نظر لغوی و اصطلاحی معانی مختلفی برای آن گفته شده است از قبیل: دین‌داری، فضیلت، وظیفه و تکلیف، نظم و انضباط، نظم کیهانی، سنت، تکلیف اخلاقی، حقیقت و...^(۱) در نظام تفکر هندوی تمایز بین دین و قانون و حقوق وجود ندارد و مفهوم کلیدی درمه. بیانگر قانون و حقوق هندوست که هر فرد هندو زندگی دینی خود را مطابق آن تنظیم می‌نماید تا به عنوان فردی متدین و متشرع محسوب گردد و رستگار شود.

برای این که جایگاه درمه در نظام تفکر هندی مشخص شود باید گفت که در

این نظام برای انسان چهار هدف در نظر گرفته شده است که عبارتند از:

۱- کام (Kāma) (هم‌ریشه با لغت کام فارسی است) یا لذت و کامرانی و

1: E.R. (Encyclopaedia of Religion), Mircea Eliade, Dharma, Vol. IV, p 32q.

عشق، که می‌تواند مدّ نظر عده‌ای در زندگی باشد و زندگی در همین عشق جنسی و کام‌جویی برای آنان خلاصه شده باشد. عشق دارای الهه‌ای نیز به نام کام (Kāma) است. کتابی نیز در مورد عشق و کامرانی است که نام کام سوتر (Kāma Sūtra) می‌باشد و به وسیله واتسیاین مَلَنّاگ (Vātsyāyana Mallanāga) در حدود قرن چهارم یا پنجم میلادی تألیف شده است.^(۱) و متونی که در مورد عشق و لذت باشد درست هندویی به نام کام شاستر (Kāmasāstra) مشهور است.^(۲)

۲- ارت (arth) یا جاه و ثروت و رفاه، که هدف عده‌ای در زندگی است و زندگی برای آنان در همین حد معنی دار است. متن مهم این مسلک ارت شاستر (Arthasāstra) می‌باشد که احتمالاً به وسیله برهمنی به نام کاوتیلی (Kautilya) در حدود سالهای آخر قرن چهارم قبل از میلاد تألیف شده است.^(۳)

۳- درمه (dharma) یا شریعت و دینداری، که عده‌ای نیز هدفشان زندگی تحت تعالیم شرعی و معنوی هندویی است تا بدین وسیله به سر منزل رستگاری برسند. شرح این مسلک به تفصیل خواهد آمد.

۴- موکش (moksa) یا رهایی و رستگاری، که انسان به آزادی مطلق می‌رسد و هدف برخی از خواص می‌باشد. منظور از موکش آن است که انسان آن‌چنان از اوصاف بشری بری شده باشد که حتی از گرفتاری گردونه بازپیدایی یا چرخه حیات (سنسار) نیز معاف و از رنج زندگی آزاد گشته باشد. برای رسیدن به این هدف سه طریق و روش توصیه می‌شود.

الف) کرم مارگ (karma mārga) یا طریق عملی: برای رسیدن به هدف غایی یعنی رهایی مطلق باید از طریق عمل وارد شد که این عمل هم شامل انجام تکالیف دینی و رعایت امور اخلاقی و تعالیم معنوی می‌شود، که در دستگاه «درمه»

1. A Popular Dictionary of Hinduism, karel Warner, arth.

۲- شاستر (śāstra) در لغت به معنی متن، رساله و قانون است و در اصطلاح به مجموعه متونی که بعد از متون ودایی درباره سنت هندویزم می‌باشند اطلاق می‌شود.

3. A popular Dictionary of Hinduism, Arthasāstra, Curzon, 1994.

آمده است، و هم شامل طی مدارج سلوک باطنی و انجام تمرینات و ریاضات و مراقبات ویژه‌ای است که در دستگاه «یوگا» آمده است. این اعمال در هر صورت اثر متناسب خود را بر انسان می‌گذارند و سرنوشت مقرر انسان را در تولدهای بعدی تعیین می‌کنند و می‌توانند جایگاه او را در زندگی بعدی جابجا نمایند، تا آن‌جا که انسان در سایه ممارسات شدید و تأملات عمیق می‌تواند از تعلقات بیشتری آزاد شود و از تولد مجدد و چرخه حیات رهایی یابد.

ب) جنان مارگ (jnāna mārga) یا طریق علم: راه رسیدن به حقیقت و رهایی، کسب علم و معرفت است. این طریق مبتنی بر این اصل است که ریشه تمام رذایل و تعلقات بشری، جهل و نادانی یا آویدیا (avidyā) است؛ به عبارت دیگر جهل أم الرذایل است. جهان ظاهر و تعلقات دنیوی همه ساخته و پرداخته جهل و توهم است و اگر انسان از جهل رهایی یابد به چشم دل در خواهد یافت که غیر حقیقت مطلق یا برهمن چیزی نیست. بنابراین تنها در سایه بصیرت و معرفت است که انسان از تمام رذایل و تعلقات و حجابها آزاد می‌شود و بالعیان وحدت آتمن - برهمن را درک خواهد کرد و انسان معاف از چرخه حیات و غرق در دریای وحدت خواهد بود یعنی همان‌گونه که قطره‌ای سرانجام به اصل و مبدأ خود یعنی دریا بازگشت می‌کند و وجود آن در وجود دریا محو و همه دریا می‌گردد، انسان نیز به اصل و مبدأ ازلی خود یعنی دریای حقیقت رجعت نموده و محو و فانی در آن گشته و پاک دست از «خود» می‌شوید و همه «او» می‌گردد. این روش بیشتر مورد تأکید دستگاه ادوایت و دانت (Advaita vedanta) و به خصوص نامی‌ترین شارح آن شنکر (semkara) بوده است.

ج) بکتی مارگ (Bhakti mārga) یا طریق عشق: بنابراین طریق، سالک به سوی حقیقت، برای رسیدن به حقیقت و آزادی مطلق، باید دل از تعلقات شسته و سراپا عشق به حقیقت مطلق گردد و عشق آن‌چنان باید وجود او را پر کرده باشد که جایی برای غیر نمانده باشد. آتش عشق با دل سالک آن می‌کند که حتی از ریاضتهای شاق در مدتی طولانی نیز ساخته نیست و آن‌چنان ریشه تعلقات را می‌سوزاند که غیر معشوق ازلی چیزی دیده نمی‌شود. یکی از مهمترین متونی که

طریق عشق را مهمترین طرق معرفی کند کتاب مشهور بگود گیتا (Bhagavad Gītā) است.

لازم به ذکر است که در سنت هندوییزم، تأکید بر یکی از این سه طریق به معنی نفی دو طریق دیگر نیست بلکه غرض این است که یکی بر دو تای دیگر مقدم است و کارایی بیشتری دارد و سالک از آن طریق راحت تر و زودتر به مقصد می رسد. حتی اعتقاد بر این است که این سه طریق باید به گونه ای همراه هم باشند؛ مثلاً کسی بر طریق علم و معرفت تأکید می کند همو می گوید برای طی این طریق عشق و ریاضت نیز لازم است. سوامی ویوکانند (Swami Vivekananda) می گوید که انسان در زندگی این جهانی برای تعالی روحی خود به سه چیز نیاز ضروری دارد: علم و عشق و ریاضت. علم و عشق به منزله دویال پرنده برای پرواز است و ریاضت نیز چون دم پرنده تعادل پرواز را حفظ می کند.^(۱)

۲- بررسی تفصیلی درمه

کاربرد اولیه لغت درمه (dharma) به عصر رگ ودا (rg veda) (حدود ۱۲۰۰ قبل از میلاد) بر می گردد و اغلب به معنی حکم کیهانی که مرتبط با قانون طبیعی و الهی است می باشد و مبتنی بر رت (rta) یا نظم و ناموس جاودانی جهان بوده و اعتبار خود را از آن کسب می کند.^(۲) بنابراین اگر انسان طبق درمه رفتار کند موجب می شود جهان به گونه ای سیر خود را ادامه دهد که ناهنجاری در «رت» پدید نیاید. خدایان مختلف نیز علی رغم داشتن شخصیت های متغایر، ذاتاً هماهنگ با نظم و ناموس جهانی یا «رت» می باشند.

متون مربوط به درمه را می توان در حالت کلی به چهار دسته تقسیم کرد:

۱- درمه سوتر (Dharma Sūtra): قدیمترین متون تشریحی، و به صورت

کلمات قصار می باشند.

1. The Complete Works of swami Vivekananada, Vol. III, PP. q3-96.

2. E.R. Dharma, Vol. IV, P. 329.

۲- درمه شاستر (Dharma Sāstra): متونی که از نظر تاریخی بعد از متون اولی، و اغلب به صورت موزون می‌باشند.

۳- باسی (Bhāsyā) یا تفسیر. متونی که تفسیر دو دسته اول می‌باشند و به هنگام تعارض تکالیف با یکدیگر و به هنگام شرایط اضطراری و به هنگام مواجهه با تحولات جدید برای تطبیق دادن نظام درمه با مقتضیات زمان، مورد مراجعه قرار می‌گیرند.

۴- نیند (Nibandha) یا متون چکیده تشریحی.^(۱)

از میان این چهار دسته، دو دسته اول اهمیت ویژه‌ای دارند. از آن دو نیز درم شاستر مهمتر از دیگری است. درم سوتر و درم شاستر فرقهایی با هم دارند. اولی بیشتر به صورت نثر و گاهی آمیخته به نظم ولی دومی تقریباً کل آن به نظم است. هر یک از متون درمه سوتر با ودایی خاص منطبق است در حالی که متون درمه شاستر کمابیش مستقل می‌باشند. متون درمه شاستر جامعتر از متون درمه سوتر می‌باشند.^(۲)

برخی از متون درمه سوتر عبارتند از:

۱- گاوتَم درمه سوتر (Gautama Dharma sūtra): متحد با سام‌ودا (Sāma Veda)، متعلق به حدود سه تا شش قرن قبل از میلاد.

۲- ویشنودرمه سوتر (Visnu Dharma Sutra): منطبق با یجور ودا (Yajur Veda)، متعلق به یک یا دو قرن قبل از میلاد.

۳- واسیشت درمه سوتر (Vasisth Dharma Sūtra)، منطبق با رگ‌ودا (Rg Vda) و متعلق به قرن اول میلادی.^(۳)

متون درمه شاستر مشهورترین و مهمترین متون قانونی و تشریحی هندو می‌باشند و بنابر اعتقاد سنتی هر یک از متون درمه شاستر منسوب به رسی‌ها (rsis)

1. E.R. Law and Religion, Vol. VIII, P. 465.

2. Hindus, Julius Lipner, *φ* . 85, Routledge, 1999.

3. Ibid.

یا حکیمان پیشین اساطیر می‌باشند. محتوای کلی متون درمه شاستر بر سه قسم است: ۱- آچار (ācāra) یا قواعد رفتاری و عملی، ۲- وی‌وهار (Vyavahāra) یا آیین دادرسی، ۳- پرایش چیت (Prāyaścitta) یا مجازات^(۱) (حقوق جزا).

بنابر عقاید سنتی، تدوین‌گران اساطیری متون درمه شاستر متعددند و گاهی تا حدود چهل تن می‌رسند. برخی از این تدوین‌کنندگان که مهمند عبارتند از: منو (Manu)، یا جنّ والکلی (Yājñavalkya) و نارد (Nārada). منو از ریشهٔ سانسکریت من (man) به معنی «فکر»، و مرتبط با کلماتی است که به معنی man یعنی انسان می‌باشد.^(۲) منو اولین انسان و جد بشر و الههٔ قانون می‌باشد. منو طبق توصیهٔ یک ماهی کشتی می‌سازد و به وسیلهٔ آن از طوفانی که همه را نابود می‌کند نجات می‌یابد و سپس همسر خود را از دندهٔ خود آفریده و نسل بشر را امکان بقا می‌بخشد. مهمترین و مشهورترین و کهنترین قانون اخلاقی و احکامی یا درمه شاستر منسوب به منو است. درمه شاستر منو به اسامی مختلفی چون منوسمرتی (Manusmṛti) و مائو درمه ساستر (Manavadharmasāstra) مشهور است. «مجموعهٔ قانونی منو»^(۳) احتمالاً بین سال ۲۰۰ قبل از میلاد تا سال ۲۰۰ بعد از میلاد تألیف شده است. این مجموعه دارای مباحث مختلفی در زمینه‌های گوناگونی است، از قبیل: آداب، عبادات، نظام کاست، مراحل زندگی، حکومت، مراسم دینی، تکالیف انسان، وظایف خدایان، جرایم و مجازات، اخلاق، احکام و...

منوسموتی (Manusmṛti) دارای دوازده کتاب است. کتاب اول در مورد آفرینش جهان است. کتابهای دوم تا ششم بحثهای اساسی شان در مورد مراحل چهارگانهٔ زندگی براهمنان است. کتاب هفتم در مورد حکومت است که در ضمن خود در مورد جنگ نیز بحث می‌کند. کتاب هشتم (که بزرگترین کتب دوازده‌گانه است) و کتاب نهم در مورد آیین دادرسی و قضایی یا وی‌وهار (vyavahara)

1. A Classical Dictionary of Hindu My thology & Religion, John Dowson. Dharm Sastra, P.89, Delhi, 1993. 2. B.R. Manu, Vol, q, P. 178.

۳- در زبان انگلیسی به "The laws of Manu" ترجمه شده است.

می باشند. کتابهای دهم و یازدهم و دوازدهم در مورد طبقات مختلف اجتماعی (نظام طبقاتی یا کاست) و مجازات و تناسخ می باشند.^(۱) کل منوسموتی حدود دوهزار و هفتصد بیت است.^(۲)

منابع درمه: منو در منوسمرتی^(۳) می گوید برای این که قوانین و احکام درمه الزام آور باشند باید مستند به یکی از چهار منبع باشند و گرنه دارای حجیت نمی باشند. این چهار منبع به شرح زیرند:

۱- شروتی (Sruti) (به معنی آنچه شنیدنی است و اصطلاحاً به متونی که از مله‌مات و منزلات شمرده می شوند اطلاق می شود). نخستین منبع استنباط قوانین درمه، متون شروتی هستند که عبارتند از:

الف) سنهیتاها (Samhitas) یا سرودهای وداهای چهارگانه: رگ ودا، (R.g Veda)، یجور ودا (Yajur Veda)، سام ودا (Sama Veda) و آترو ودا (Atharva Veda)

ب) براهمنه‌ها (Brahmanas) یا احکام و امور شرعی

پ) آرَن یک‌ها (Aranyakas)

ت) اُپَنِشِد‌ها (Upanisads)

متون شروتی قویترین و محکمترین منبع استنباط احکام دوم به شمار می روند و هیچ منبع و متن دیگری توانایی تعارض، با این متون را ندارد. و حرف اول را در امور شرعی این متون می زنند. این متون چون از نظر قوانین اخلاقی و احکامی و امور شرعی چندان سامانمند و دارای نظام مرتبی نبودند، نیاز به تنظیم و تفسیر داشتند که جایینی در دوره ودايي این مهم را انجام داد و مکتب پورو میمانسا (Purva Mīmāṃsā) را در این راستا بنا نهاد که یکی از درشن‌های (Darśanas)

1. E.R.E. (Encyclopaedia of Religion & Ethics, James Hastings, Law (Hindu), Vol. VII, P. 850.

2. Manusmṛti, I,108, II. 12.

۳- ویل دورانت: تاریخ تمدن. ج اول (شرق دینی، گاهواره تمدن)، ص ۵۵۴.

شش گانه تفکر هندی به شمار می‌رود.^(۱)

۲- سمرتی (Smṛti) (به معنی به یاد آوردنی و ذهنی است و اصطلاحاً به متونی که حاصل فکر و تأمل بشری است اطلاق می‌شود): از آن جا که متون شروتی نمی‌توانند به تنهایی پاسخگوی تمام سؤالات و در بر دارنده تمام جزئیات باشند، متون سمرتی می‌توانند در این زمینه فرد متدین و متشرع هندو را کمک کنند. متون سمرتی عبارتند از:^(۲)

الف) درمه سوترها (Dharma Sūtra)

ب) درمه ساسترها (Dharma Śāstras): مهمترین آنها منوسمرتی است.

پ) ودانگ‌ها (Vedāngas): متون تفسیری ششگانه‌ای که به منزله اعضای وداها می‌باشند.

ت) پورانه‌ها (Purānas): متون اساطیری که در مورد تجسم‌های متعدد خدایان می‌باشند.

ث) مهابارت (Mahābhārata): متنی حماسی که در برگیرنده بگودکیتا (Bhagavad Gita) نیز هست.

ج) راماین (Rāmāyana): داستان حماسی که درباره سرگذشت رام (Rama) است.

چ) گرهی سوتر (Grhya Sūtra): متنی در مورد انجام مناسک خانوادگی در منزل.

حجیت متون سمرتی برگرفته از متون شروتی می‌باشد و این متون به نحوی ریشه در متون شروتی دارند و مبتنی بر آنها می‌باشند.

۳- آچار (Acara) یا عرف: سومین منبع در استنباط قوانین و احکام شریعت هندو. عرف اجتماع است و این منبع در صورتی معتبر است که مسأله‌ای پیش آید و راه حل آن در شروتی و سمرتی نباشد. لذا در این موارد به سداچار

1. E.R., Dharma (Hindu Dharma), Vol. IV, P. 331.

2. Hindus, Iulius Lipner, PP. 77-82.

(Sadācāra) (کارنیک یا عمل صالح) و سِشتاچار (Sistācāra) (عمل بر اساس تعلیم) مراجعه می‌شود.^(۱) البته اعمال پذیرفته شده در عرف جوامع و قومیت‌های مختلف به گونه‌ای ریشه در متون ثروتی داشته و از جنبه نظری در آنها قابل ردیابی است.

۴- آتم (Ātma) یا وجدان: آخرین منبع شریعت هندویی، وجدان فردی است که مهم‌ترین منابع بوده و در مورد آن کمتر بحث شده است. این منبع مخصوص مواردی است که در منابع پیشین برای آنها دستور و قاعده خاصی وجود ندارد. بقیه فرض چنین است که فرد هنگام مواجهه با مسأله‌ای با متون مقدس سنتی آشناست و چون می‌داند راه حل مسأله‌اش در آن متون و منابع نیامده است، به وجدان خود مراجعه می‌نماید و «آنچه را که مطابق وجدان است» (آتم توشتی) (Ātmatusti) عمل می‌نماید.^(۲)

گفتنی است که اصلی‌ترین منبع، همان منبع شروتی است و منابع دیگر مشروعیت خود را از آن کسب می‌کنند و در صورتی حجیت دارند که با آن در تعارض نباشند.

اقسام درمه: از یک دیدگاه، نظام درمه با توجه به نوع تکالیف دارای اقساماتی است:

۱- وَزَن آشْرَم دَرْمَه (srama + dharma) = śramadharmā
(Varna + ā (Varnā

تکالیف فردی: طبق تعالیم هندویی، براساس قانون کَرَم (karma)، زندگی فعلی هر فردی بازتاب اعمال او در زندگی پیشین است و زندگی آینده او بازتاب اعمال و کردار او در زندگی فعلی او خواهد بود بنابراین هر فردی باید به گونه‌ای رفتار کند که در زندگی آینده خود سعادت‌مند شود: «آنان که تکالیف خود را مطابق آنچه در متون مقدس هندو آمده است انجام دهند نام نیک این جهان و سعادت آن

1. E.R. Dharma (Hindu Dharma), Vol. IV, P. 331.

2. Ibid.

جهان را به دست خواهند آورد»^(۱). لازم به یادآوری است که به بخش تکالیف فردی درمه، سودرمه (Svadharmā) نیز گفته می‌شود. تکالیف فردی در شریعت هندو بر دو قسم است:

الف) ورن (Varna)، ب) آسرم (Āśrama)

الف) ورت دَرْمَه (Varnadharmā) یا تکالیف طبقاتی: ورتن (Varna) به معنی رنگ است که اولین عامل نظام طبقاتی در هندوویزم می‌باشد. چون آنچه که در ظاهر وجه تمایز مهاجران غالب آریایی و بومیان مغلوب در دوره ودایی بود رنگ سفید مهاجران و رنگ تیره بومیان بود. البته بعدها این اختلاف طبقاتی عمیقتر و ریشه‌دارتر گردیده و موجب گسترش آن در سطوح مختلف اجتماعی شد. و به این ترتیب بود که جاتی (jati) یا تولد نیز که اصل و نسب و نژاد هر فردی را طبیعتاً نشان می‌داد از عوامل نظام طبقاتی شمرده شد، چون هر فردی با تولد خود و به طور غیر ارادی بالاخره متعلق به نژادی خاص و طبقه اجتماعی خاص می‌گردید و طبقه خانواده خود را به ارث می‌برد و دارای وظایف و شغل می‌شد. همین اعتقاد به نظام طبقاتی است که مشهور به نظام کاست^(۲) (Caste) می‌باشد. برخی محققین بر این عقیده‌اند که نظام طبقاتی با این شدت و گستردگی، که قرن‌ها در هند حاکم بوده است، در متون مقدس اولیه هندویی وجود ندارد بلکه بعدها بر اثر عوامل متعدد سیاسی، اجتماعی به این صورت در آمده و به آن رنگ دینی داده‌اند. بنابر عقاید طبقاتی هر فردی برای رسیدن به رستگاری باید به تکالیف طبقاتی خود عمل نماید و تنها در این صورت است که می‌تواند در زندگی بعدی وضع مطلوبتری داشته باشد. طبقات چهارگانه هندو عبارتند از:

- ۱- طبقه براهمنی (Brāhmana): طبقه متولیان رسمی دینی یا روحانیان
- ۲- طبقه کشتری (Ksatriya): طبقه سلحشوران یا نظامیان
- ۳- طبقه وایشی (Vaiśya): طبقه پیشه‌وران یا بازاریان

1. Manusmṛti, II. q.

۲- کاست (caste) واژه‌ای است پرتغالی به معنی نژاد.

۴- طبقه سودر (Sūdra): طبقه خدمتکاران یا کارگران

از جمله مستندات نظام طبقاتی، یکی از سرودهای رگ ودا^(۱). درباره انسان نخستین یعنی پوروش (Puruṣa) است که در آن آمده است: «از سر انسان نخستین براهمنان، از بازوان او کشتی‌ها، از رانهای او وایشی‌ها و از پاهای او شودرها به وجود آمدند». براهمنان برترین طبقه و دارای بهترین امتیازات بودند. طبق قوانین منوسمرتی: هر چه در این جهان است ملک براهمن است^(۲). و تأکید شده است که پادشاه نباید از براهمنان خراج بستاند حتی اگر خزانه‌اش خالی شده باشد چون امکان دارد براهمن با نفرین، هستی او را بر باد دهد. باید هنگام مراسم قربانی هدایایی نیز به براهمن متصدی مراسم داد. براهمنان برگزیدگان و واسطه فیض بر خلق بودند و حتی اجرای مراسم دینی و تعلیمات دینی و آموزش وادها در انحصار آنان بوده «اگر فردی از طبقه شودر به قرائت کتب مقدس گوش می‌داد، می‌بایست گوشش را با سرب گداخته پر کرد؛ اگر آن را زمزمه کند، باید زبانش را برید؛ اگر آن را به یاد بسپارد، باید او را دوپاره کرد»^(۳). پذیرایی از براهمنان از اعمال پرثواب شمرده می‌شد. براهمن، ولومرتکب بدترین جنایت می‌شد کشته نمی‌شد و حداکثر تبعید می‌شد. اما در مقابل کوچکترین اهانتی به براهمنان دارای عقاب بود. «هرکس در صدد برآید که براهمنی را کتک بزند، مدت صد سال به عذاب دوزخی دچار خواهد شد؛ چنانچه کسی واقعاً براهمنی را زده باشد به هزار سال عذاب دوزخی دچار خواهد شد. اگر فردی از طبقه شودر، زن براهمنی را از راه به در کند باید کلیه مایملک آن شودر را ضبط کرد و مردیش را برید. اگر شودر به دست شودر کشته شود کفاره‌اش ده رأس ماده گاو است که باید به براهمنان بدهد؛ و اگر فردی از طبقه شودر فردی از طبقه وایشی را کشته باشد باید صد رأس گاو به براهمنان بدهد؛ و اگر فردی از طبقه کشتی را کشته باشد باید هزار رأس گاو به براهمنان بدهد؛ و اگر براهمنی را بکشد باید او را کشت». البته براهمنان گاهی حتی از امتیازات ذکر شده

1. Rg Veda, X.90.

2. Manusmṛti, I, 100.

۳- تاریخ تمدن، جلد اول (مشرق زمین، گاهواره تمدن)، ص ۵۵۶.

در کتب قوانین نیز فراتر می‌رفتند. نقل شده‌است که شب اوّل تازه عروس، سهم ویژهٔ براهمنان بود و عروس می‌بایست شب اوّل را با یک براهمن به سر کنند. از طرف دیگر تکالیف دینی براهمنان نسبت به دیگران سنگین‌تر بود: «براهمن باید هر روز غسل کند و اگر آرایشگری از طبقهٔ پایین‌تر او را اصلاح کرده باشد می‌بایست غسل خود را تجدید کند؛ جایی را که می‌خواهد بخوابد باید با تپالهٔ گاو تطهیر کند؛ و در قضای حاجت باید آداب بهداشتی سختی به‌جا آورد؛ از هرگونه غذای گوشتی، تخم‌مرغ، سیر، پیاز، قارچ و تره پرهیزد، جز آب آشامیدنی دیگر ننوشد و جز از دست براهمن هم ننوشد؛ از انواع روغن، عطریات، آز و خشم پرهیزد؛... اگر مرتکب جرمی شود باید مجازاتی سنگین‌تر از مجازات طبقهٔ پایین‌تر از خود بپذیرد، مثلاً اگر فردی از طبقهٔ شوردی دزدی کند باید هشت برابر مقدار آن مال دزدی جریمه شود، اگر وایشی دزدی کند باید شانزده برابر جریمه شود، همین‌طور کشتری باید سی دو برابر و براهمن شصت و چهار برابر جریمه شود. براهمن نباید هیچ موجود زنده‌ای را بیازارد.»^(۱) البته پیداست که خود همین تکالیف سنگینی برای براهمنان باز نوعی تحقیر سایر طبقات را در ضمن خود دارد.

پادشاهان و حکام و سپاهیان و قضات از طبقهٔ کشتری می‌باشند. کشتری باید همیشه آمادهٔ دفاع و جنگ باشد. پادشاه باید افراد کشتری را حتی در وقت صلح و آرامش تأمین کند و افراد کشتری نیز باید احترام پادشاه را حتی اگر طفل باشد داشته باشند، چون پادشاه تجسم الوهی در صورت بشری است.^(۲) و ضمانت اجرای قوانین، هر صنفی از پیشه‌وران باید به وظایف صنف خود آگاه باشد. تجار باید قوانین و آداب تجارت بدانند و به انصاف با مشتریان رفتار کنند و بیشتر از حد معینی ربا نگیرند (که گاهی ربای مجاز یک صدم بیان شده‌است). کشاورزان زمین خوب و بد را از هم بشناسند و بذر خوب انتخاب کنند و از امور و مقیاسهای وزن و پیمان

۱- همان، ص ۵۵۷.

۲- موسوعة الادیان القديمة فی العالم (الادیانات القديمة)، بیروت، ص ۱۲۱، ۲۰۰۰.

مطلع باشند.^(۱)

افراد سودر باید مطیع مطلق اوامر براهمنان باشند تا این که امید سعادت بعد از مرگ داشته باشند، نباید بیش از حد معینی مال و ثروت جمع کنند هر چند توان جمع بیشتر آن را داشته باشند. و باید مواظب باشند از طبقه خود پافراتر نگذارند. و به افراد طبقات بالاتر کوچکترین اهانتی نکنند و گرنه مجازات سنگینی چون قطع دست و پا و... در حق او باید اجرا شود.^(۲)

گفتنی است که رعایت موازین طبقاتی و به ویژه رعایت امتیازات براهمنان بعد از تسلط پادشاهان مسلمان و به خصوص بعد از تسلط استعمار انگلستان با مشکل و موانع بسیاری مواجه شد و در نهایت این که بعد از پیروزی انقلاب هند به رهبری مهماتهاگاندی در حدود نیمه قرن بستم میلادی کلیه موازین نظام طبقاتی قانوناً لغو شد و امروزه افراد تمام طبقات از نظر قانونی در تحصیل و شغل و... از حقوق یکسان برخوردارند.^(۳) هر چند هنوز ذهن و روان مردم از مسائل و موازین نظام طبقاتی پاک نشده است و رسوبات آن نظام همچنان در آداب و رسوم و رفتارهای اجتماعی و مراودات پابرجاست و کارهای پست عملاً اکثراً متعلق به طبقه سودر است و براهمنان همچنان تولیت امور دینی را در دست دارند.

ب (Āśramadharmā) یا تکالیف خصوصی: آسرم (Āśrama) به معنی مرحله زندگی است و در سنت هندویی، هر فرد هندو دارای زندگی چهار مرحله ای است. این مراحل چهارگانه زندگی یک هندو عبارتند از:

۱- برهم چارین (Brahmacārin) یا دانش اندور و طلبه

۲- گرهست (Grhastha) یا مرد زندگی و مرد متأهل

۳- واپرست (Vanaprastha) یا جنگل نشین

۲- همان.

۱- همان، ص ۱۲۲.

۳- حتی رئیس جمهور منتخب هند در این سالها، یعنی ناراین از طبقه سودر می باشد (اینک نیز که سال ۲۰۰۰ است در مسند قدرت می باشد).

۴- سن نیاسین (Samnyāsin) یا زاهد و تارک دنیا^(۱)

برهم چارین کسی است که قدم در طریق (cārin) برهم می‌گذارد و شروع به تحصیل علم و دانش می‌کند و تعلیمات و دایی را می‌آموزد تا هم با حقیقت مطلق هستی آشنا شود و هم پیروی ذاتی کلام مقدس را حس کند. تا به این طریق متعلم هندو بداند که ودا مهمترین و ضروری ترین امر برای یک هندوست و باید آن رانسل به نسل و سینه به سینه نقل کرد و اساس و پایه زندگی قرار داد. به همین خاطر خانواده‌های متشروع امروزه، فرزندان خود را به مکتب‌خانه‌هایی می‌فرستند تا دوره برهم چارین را طی کنند و بدین وسیله قدم در راه شریعت هندو بگذارند. در این مکتب خانه‌ها معمولاً دختران و پسران از هم جدا هستند و به آنان یاد داده می‌شود که ساده‌زیستی پیشه کنند و کم‌مونه باشند. لذا هم مکتب خانه، آلونک ساده‌ای از بوته و گل در میان انبوه درختان است و هم دانش اندوزان و طلاب لباس ساده‌ای به تن می‌کنند که معمولاً سفید است. و در ایام تعلیم، آنها بر بستر سفت مثلاً تخت خواب چوبی یا سکوی سنگی استراحت می‌کنند. ظروف غذای خود را از هر طبقه‌ای که باشند خود می‌شویند هر چند این امر بر اشراف زادگان مشکل باشد. پس از نهار برای کار کشاورزی به مزارع می‌روند و تا غروب کار می‌کنند تا این که حاصل کشت و زرعشان کفاف قوت آنها را بدهد.^(۲)

گرهست: بعد از گذراندن دوره تحصیل و دانش‌اندوزی، نوبت تجربه زندگی خانوادگی است. در این دوره فرد مسؤولیت بیشتری را بر عهده می‌گیرد و فقط به فکر خود مشغول نیست. باز در همین دوره است که هر فردی با توجه به بروز نوع استعدادش در دوره قبلی، شغل و کسب خود را انتخاب می‌کنند. مثلاً اگر از هوش و استعداد کافی برخوردار بوده و در فراگیری تعلیمات موفق بوده است بهتر است درس و تدریس را دنبال کند؛ ولی اگر نیروی بدنی او قویتر از نیروی فکری او بوده است بهتر است دنبال کار کشاورزی برود (البته بعد از لحاظ کردن جایگاه

1. Hindus, Julius Lipner, P. 92.

طبقاتی یعنی به این صورت که کار او متناسب با طبقه خودش باشد). گرهست نباید از پنج چیز غافل باشد.^(۱)

۱- نیایش آفتاب به هنگام طلوع و غروب

۲- احترام والدین و ریش سفیدان، تهیه دو وعده غذا برای آنها، گشاده‌روی با آنان.

۳- پذیرایی از میهمان: هرگاه میهمانی برسد چنان پندارد که یکی از خدایان (خدای آب یا باد یا آتش یا خاک) میهمان اوست و خدمت و حرمت او را بر خود لازم شمارد.

۴- تغذیه حیوانات اهلی: به حیوانات اهلی مانند گاو نر و گاو میش و بز و میش علف دهد و به گاو شیرده مقداری خمیر مخلوط با شیر و روغن کنجد و شکر بخوراند.

۵- آب و دانه به پرندگان بدهد. چون پرندگان هم نقش مهمی در اطلاع رسانی اقلیمی دارند و هم این که آزادند و در فضای بی کران آسمانها سیر می کنند و با عالم لاهوت در ارتباطند و نشان از آن عالم ملکوت دارند.

و نیزست: یک هندو در این مرحله به جنگل پناه می برد و به تأمل در اندوخته های خود می پردازد و مشغول قرائت متون ودایی و ذکر و سیر در معنی می گردد که آرامش جنگل خود کمکی بزرگ برای موفقیت در سیر معنوی و مراقبه به شمار می رود. البته در این مرحله ترک کامل دنیا صورت نمی گیرد و فرد ارتباط خود را با افراد خانواده و خویشان و نزدیکان تا اندازه ای حفظ می کند و به خانه آنان سر می زند و در امور زندگی و حل مشکلات به کمک آنان می شتابد.

سن نیاسین: در این مرحله فرد هندو از دنیا و تعلقات دنیوی کناره می گیرد و ترک دار و دیار می کند و به تنهایی به سیر در آفاق و انفس می پردازد. دیگر نیازی به عبادات ظاهری ندارد و باید به ریاضت پردازد و مستغرق در یاد حق گردد و آنی از یاد او غافل نگردد و دل را به یاد و ذکر حق جلا بخشد. در این دوره، فرد هندو از هر

مسئولیتی آزاد است. او دیگر آتش روشن نمی‌کند بلکه آتش اشتیاق و درون خود را شعله‌ورتر می‌سازد. از میوه‌های جنگلی استفاده می‌کند و از راه‌گدایی از مردم رفع رجوع می‌کند و به همین جهت به سن نیاسین، بیکشو (Bhiksu) (به معنی گدا و درویش) نیز گفته می‌شود. و بالاخره این‌که، سالک در نهایت این مرحله است که می‌تواند به آخرین مدارج روحانی و رستگاری یا موکش (moksa) دست یابد و از چرخه حیات معاف شود.

۲- سادازن درمه (Sādhāranadharmā) یا تکالیف کلی^(۱): منظور از آن تکالیفی است که بدون در نظر گرفتن طبقه اجتماعی یا ورن (Varna) و مرحله خاصی از زندگی یا آشرم (āśrama) شامل حال همه افراد هندو در همه زمانها می‌شود و مشترک بین همه هندوان است. از آن جهت که این تکالیف برای همیشه و ابدی است سناتن درمه (Sanātaradharmā) یا تکالیف ابدی نامیده می‌شود و از آن نظر که مشترک بین همگان است سامانی درمه (Sāmānyadharmā) خوانده می‌شود. بنابراین سادازن درمه در نقطه مقابل وون آسرم درمه یا تکالیف فردی قرار دارد. این تکالیف کلی و عمومی عبارتند از^(۲):

۱- اهنسا (ahimsā) یا بی‌آزاری و عدم خشونت: انسان نباید آزارش به هیچ جاندار برسد.

۲- ستی (satya) یا راستی: انسان در زندگی باید راستی و درستی پیشه کند.

۳- استی (asteya) یا پرهیز از دزدی: انسان نباید در هیچ شرایطی به مال دیگران دستبرد بزند.

۴- ساوچ (śauca) یا پاکی: انسان باید از پاکی و طهارت ظاهر و باطن بکوشد.

۵- دم (dama) یا کف نفس: انسان باید بر نفس خود تسلط داشته باشد!
گاهی بین تکالیف فردی یا ورن آشرم درمه و تکالیف کلی یا سادارن درمه تعارض به وجود می‌آید به این صورت که فرد از آن جهت که متعلق به طبقه‌ای خاص است باید تکلیفی را انجام دهد که با تکلیف دیگری که در تکالیف کلی است

1. Ibid, PP. 223-224.

2. Manusmṛti, X.63.

در تعارض است. از طرفی هم این فرد هندو که پابند تکالیف دینی است می خواهد آن چنان عملی کند که مطابق شریعت و دین باشد تا رستگاری او را فراهم آورد. مثلاً کسی که سرباز است باید مطابق تکالیف طبقه‌ای خود یعنی کشتری، به هنگام ضرورت بجنگد و چه بسا لازم باشد که خون کسانی را هم بریزد تا آب و ملک را از گزند دشمنان حفظ کند. از طرف دیگر همین سرباز باید مطابق تکالیف کلی یعنی ساداران درمه، باید اهنسا (ahimsa) را مراعات نماید. همچنانکه چنین تعارضی در بگودگیتا (Bhagavad Gita) برای ارجون (Arjuna) که فرمانده جنگی است، پیش می آید و تعارض پیش آمده را با ازابهران خود کرشن (krsna) که یکی از تجسم‌های خدایی ویشنو (Visnu) است، در میان می گذارد و کرشن به او امر می کند که به عنوان کشتری (نظامی) باید بجنگد اما نه به خاطر شخصی، بلکه علی رغم میل شخصی، به خاطر عشق به خدا (کرشن) باید به وظیفه و تکلیف خود که اینک جنگیدن است، عمل کند. بنابر این سؤال این است که در این مورد وظیفه یک هندو چیست؟ جوابهای مختلفی به این سؤال و تعارض داده شده است. آنانی که تحت تعلیم و تأثیر براهمنی بوده اند معتقدند که در راستای حفظ ناموس خلقت و تعادل اجتماعی، در این تعارض، تکلیف یک سرباز جنگیدن است حتی اگر به نقض تکالیف کلی یا ساداران درمه منجر شود. بنابراین از نظر این عده تکلیف طبقه‌ای یعنی جنگیدن بر وظیفه کلی یعنی اهنسا (بی آزاری) ترجیح دارد. عده‌ای دیگری نیز که تحت تأثیر تعالیم و دانت (Vedant) یا بودیزم و جینیزم بوده اند معتقدند که وظیفه در این تعارض رعایت تکلیف کلی است یعنی تکلیف کلی همیشه بر تکلیف فردی و طبقه‌ای حاکم بوده و در نتیجه در این جا نیز رعایت اهنسا (بی آزاری) بر جنگ مقدم است. بنابراین یک فرد همیشه باید تکالیف کلی را بر تکالیف فردی مقدم بدارد. گروه سومی هم که پیرو تعالیم مکتب بکتی (Bhakta) یا عشق (به خدا) می باشند معتقدند که در این موارد باید دید که انجام کدام یک از دو تکلیف معارض هم مورد رضای خداست و همان را انجام داد، همچنان که ارجون در بگودگیتا طبق خواسته کرشن (خدا) عمل کرد. اما مشکلی که راه حل سوم دارد این است که انسان به هنگام تعارض، چگونه بفهمد که خدا کدام عمل و تکلیف را

می خواهد؟^(۱)

البته احتمال دارد جواب داده شود که باید به اندرون و دل و وجدان مراجعه شود تا مشخص گردد که خواسته خدا کدام است، که البته جواب قانع کننده‌ای نیست. به هر حال در موارد تعارض بین احکام باید دیدگاه مفسران درمه را در نظر داشت. وظیفه مفسران درمه است که با در نظر گرفتن تمام جوانب، فرد را در تشخیص تکلیف خود به هنگام تعارض یاری کنند.

۳- آپد درمه (Āpaddharma) یا تکالیف اضطراری: گاهی بر اثر بلاهای طبیعی ش، سیل، زلزله، قحطی و شرایط نامطلوب اقتصادی، اوضاع و موازین طبقاتی در هم می‌ریزد و افراد نمی‌توانند به تکالیف طبقه‌ای خود عمل کنند و باید کارهایی را انجام دهند که با تکالیف طبقاتی آنها سازگاری ندارد و جامعه برای مدتی هر چند کوتاه نیاز به این کارها دارد. مثلاً در این‌گونه بحرانهای اجتماعی و اقتصادی، چه بسا براهنی مجبور شود کار یک بازرگان یا کشاورز را انجام دهد. بنابراین در این موارد بحرانی، افراد تکالیف ویژه‌ای خواهند داشت که تکالیف اضطراری یا آپد درمه نامیده می‌شود. بنابراین فردمند و در مواقع اضطرار موظف است به تکالیفی که به نجات جامعه منجر می‌شود عمل کند و محدودیت‌های طبقاتی در این مواقع برداشته می‌شوند تا زمانی که دوباره اوضاع به حالت عادی برگردد.

۳- اشاره‌ای به برخی از موارد درمه

۱- زناشویی: زناشویی و نهاد خانواده در سنت هدویزم از ارج خاصی برخوردار است. بر پاکدامنی قبل از ازدواج تأکید می‌شود و حساسیت ویژه‌ای در این مورد به خرج داده می‌شود و زن باید تنها متعلق به یک مرد باشد. از دوران کودکی به کودکان آموزش پاکدامنی داده می‌شود و از آنها مراقبت می‌شود که متوجه مسائل تحریک‌کننده نشوند و در خانواده‌ها از مسائل جنسی سخن گفتن قبیح شمرده می‌شود. مراسم ازدواج بین هندوان با توجه به جایگاه طبقاتی زوجین

دارای مراسم و تشریفات خاصی است و با افروختن آتش و نیایش و خواندن سرودهای خاص عقد زناشویی بین زن و مرد توسط براهمن بسته می‌شود. بر وفاداری و مهرورزی زوجین نسبت به یکدیگر تأکید فراوان شده است. در نهاد خانواده مسؤلیت و ریاست با مرد است و زن نیکو زن فرمانبردار شمرده می‌شود. اصولاً از دیدگاه تفکر سنتی هندوان، زن موجودی پست‌تر از مرد و اغواگر، و در عین حال موجودی لطیف و دوست‌داشتنی شمرده می‌شود. لذا در اساطیر هندو می‌خوانیم که آفریدگار مرد بعد از آفرینش مرد، خواست که زن را بیافریند ولی متوجه شد که هر چه مصالح داشته در ساختن مرد به کار برده است. برای حل این مشکل زن را از آمیزه‌ای از خرد و ریزها و مانده‌های آفرینش آفرید. بدین‌گونه: «گردی ماه و بیج و خمهای گیاهان گیاهان روینده، چسبندگی پیچکها، لرزش علف، باریکی نی، شکوفه گلها، سبکی برگها، انعطاف خرطوم فیل، نگاههای آهو، گرد آمدن دسته‌های زنبور، شادی پر نشاط فروغ آفتاب، گریستن ابرها، بی‌آرامی بادها، هراسانی خرگوش، رعونت طاووس، نرمی سینه طوطی، سختی خارا، حلاوت عسل، درنده خوبی ببر، شعله گرم آتش، سرمای برف، چهچه کوتاه زاغ به نغمه کوکوی هندی، دورنگی درنا و وفاداری غاز سرخ را گرفت و همه را به هم آمیخت و زن را ساخت و او را به مرد داد.»^(۱)

طبق قوانین منوسموتی از یک طرف گفته می‌شود که همه کس سزاوار داشتن مال و منال نیست: همسر، پسر، برده، و هر چه این سه کس به دست آورند در تملک مرد خانواده و سرورشان خواهد بود. و زن مایه ننگ شمرده می‌شود. از طرف دیگر تعبیری هم در منوسمرتی وجود دارد که از زن و روح لطیف او جانب‌داری می‌کند: «زنان را نباید زد، حتی با گل؛ در کارشان نباید خیلی سخت دقیق بود، چه آن‌گاه است که زیرکیشان راه‌گزندی بیابد؛ و اگر جامه نیکو می‌خواهند عاقلانه است که برایشان فراهم کنند، زیرا اگر همسر جامه نیکو به تن نداشته باشد شویش را دل‌شاد نخواهد کرد. و بدین‌گونه چون همسری به گونه‌ای شادی بخش آراسته باشد تمام

خانه آراسته و زیباست. همان‌گونه که برای سالخورده‌گان و مردان دین راه می‌گشایند، برای زنان هم باید راه گشود و به زنان باردار، عروسان و دوشیزگان باید پیش از میهمانان غذا داد و گفته می‌شود که هر مادری از نظر حق احترام بر هزار پدر برتری دارد.^(۱) البته باید به خاطر داشت که اوضاع امروز آنچنان هم نیست که تفکر سنتی هندوان می‌گوید و بسیار عوض شده‌است و نه زن چنان ذلیل شمرده می‌شود و نه مرد چنان سروری و ریاست دارد.

ب - توبه و مجازات: در متون سنتی هندو بیشتر از آن که به مجازات تأکید شده باشد؛ بر توبه تأکید شده‌است. توبه به هنگام ارتکاب گناه باید انجام گیرد و مجازات به هنگام ارتکاب جرم باید صورت گیرد. اما مرز بین گناه و جرم چندان مشخص نشده‌است. اما آنچه که مهم است این است که در تعالیم سنتی هندوییزم خود مجازات مورد نظر نیست بلکه هدف اول از مجازات، پالایش درون و تهذیب نفس است و در مرتبه بعدی هدف تأدیب مجرم است. منوسمرتی می‌گوید: «کسی که تکلیفی را ترک گوید، یا عمل مورد نکوهش را انجام دهد و یا بیش از حد به امور شهوانی بپردازد باید توبه کند.»^(۲) و باز می‌گوید: «توبه باید همواره به خاطر تطهیر درون انجام گیرد زیرا کسانی که توبه نکنند در تولد بعدی با چهره‌ای وحشتناک متولد می‌شوند.»^(۳) در مورد مجازات نیز که باید توسط حاکم صورت گیرد در منوسموتی آمده‌است: «تنها مجازات بر همه مخلوقات حاکم است، تنها مجازات آنها را حفظ می‌کند. وقتی آنها خوابند مجازات مراقب آنهاست خردمندی می‌گوید مجازات عین قانون است. اگر مجازات پس از بررسیهای لازم، صحیحاً اعمال شود همه مردم را خوشحال می‌کند، اگر بدون بررسیهای مقتضی انجام شود همه چیز را نابود می‌سازد.»^(۴) منوسمرتی قتل، به خصوص قتل یک براهمن، و زنا را از جمله مواردی می‌داند که موجب اعدام می‌گردند. و مجازات برخی از تخلفات را، معرفی

۱- همان، صص ۵۶۴-۵۶۵.

2. Manusmri, XI.44.

3. Manusmrti, XI. 54.

4. Ibid, VII. 18-19.

تخلف در ملأعام می‌داند و در برخی موارد نیز برای تأدیب متخلف، طبقه او را تنزل می‌دهند که البته بعداً با توبه می‌تواند به طبقه پیشین خود برگردد.^(۱)

پ - حاکم: منوسمرتی می‌گوید که حاکم باید همانند زمین عمل کند یعنی همانطور که از همه به طور مساوی حمایت می‌کند حاکم نیز باید از همه رعایای خود حمایت کند.^(۲) حاکم و پادشاه با مردم چون پدر رفتار کند و قوانین درمه را اجرا کند و مجرمان را به مجازات برساند. البته اگر حاکمی و پادشاهی به وظیفه خود عادلانه عمل نکنند به هلاکت دچار خواهد شد. رعیت نیز وظیفه دارد از حاکم تبعیت کند وگرنه دچار گرفتاری و عقاب خواهد شد.^(۳)

ت - طهارت: در سنت هندوویژیم به طهارت (طهارت ظاهر و طهارت باطن) و پاکیزگی تأکید ویژه‌ای شده‌است و در این سنت پاکیزگی به معنای دینداری محسوب شده‌است. در منوسمرتی بر انجام غسلهای متعدد زنان و مردان، شست‌وشوی دست و صورت به هنگام غذا خوردن و مسواک کردن و رعایت آداب بهداشتی خلأ به خصوص براهمنان، تأکید شده‌است: «براهمن باید پگاهان شست‌وشو کند، تنش را بیاراید، دندانش را پاکیزه کند، سرمه به چشم بکشد، و خدایان را بپرستد...» ۱۳۰۰ سال پیش یوانگ چونگ حالات غذا خوردن هندوان را این‌گونه وصف می‌کند: «آنان خود به خود پاکند و کسی به این کار مجبورشان نمی‌کند. قبل از هر غذا باید شستشو کنند، خرده‌ریزها و پس مانده‌ها را دوباره نمی‌خورند. ظروف غذا را بین خود نمی‌گردانند، ظروف سفالی یا چوبی را پس از مصرف دور می‌ریزند، و ظروف طلا، نقره، سین یا آهنی را از نو صیقل می‌دهند. همین‌که غذا تمام شد دندان را خلال، و خود را تمیز می‌کنند. پیش از این‌که شستشویشان تمام شود با یکدیگر تماس نمی‌گیرند.»^(۴) حتی امروز هم هندوان

۱- ورمز پگی مورگان: اخلاق در شش دین جهان، ترجمه محمد حسین وقار، تهران ۱۳۷۸.

2. Mansmrti, IX. 303, 311.

۳- اخلاق در شش دین جهان، صص ۵۲-۵۶.

۴- تاریخ تمدن. ویل ج اول (مشرق زمینی، گاهواره تمدن)، صص ۵۶۷-۵۶۸.

معمولاً عادت دارند که حمام سحرگاهی و مسواک بعد از غذا و معطر شدن را ترک نکنند. لذاست که یکی از محققین می‌گوید: «مدتها پیش از آن‌که ملتهای اروپایی چیزی از بهداشت بدانند، و باز مدتها قبل از آن‌که آنان به ارزش مسواک و شست‌وشوی روزانه پی ببرند، هندوها این هر دو کار را وظیفه و تکلیف حتمی خود می‌دانستند تا همین بیست سال پیش، خانه‌های لندن وان حمام نداشت و مسواک جزو اشیاء تجملی بود.»^(۱)

منابع و مأخذ

- Hindus. Julius Liner, Routledge, 1999.
- Encyclopaedia of Ethics and Religion, Hostionsg.
- Encyclopaedia of Religion, Mircea Eliade.
- A Classical Dictionary of Hindu Religion & Myttologys John Dowson, Delhi, 1993.
- A Popular Dictionary of Hinduism, Karel Warner,
- The Complete works of swami Vivekananda, Delhi, 1994.
- موسوعة الاديان القديمة في العام (الديانات القديمة)، بيروت، ۲۰۰۰ میلادی
- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، ع. پاشایی و...، تهران ۱۳۷۲
- اخلاق در شش دین جهان، ورنر منسکی، پگی مورگان،...: ترجمه محمد حسین وقار، تهران ۱۳۷۸
- ادیان و مکتبهای فلسفی هند، داریوش شایگان، تهران، ۱۳۷۵
- یونس جعفری: ارمغان ادبی، تهران ۱۳۷۶.
- هیوم: ادیان زنده جهان، ترجمه گواهی، تهران ۱۳۷۴
- جان بی. ناس: تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت. تهران، ۱۳۷۵.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی